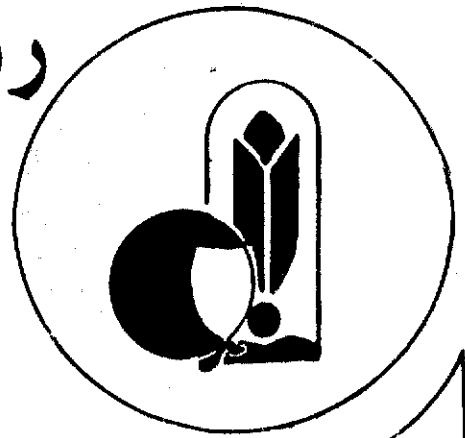


روابط دختر و پسر در ایران



• علی اصغر احمدی

• بنگنار

در دو شماره گذشته در صورت بررسی روابط دختر و پسر در ایران سخن رفت. در شماره پیشین به بحث پیرامون انواع برخورد بین دختران و پسران پرداختیم و از شیوه مطلوب رایج در میان بسیاری از هم میهمان که مبتنی بر شناخت و احترام متقابل است یاد کردیم. دومین شیوه مطرح شده برخورد مبتنی بر ترس و وحالت زدگی افراطی و آسیبهای ناشی از آن بود. در این شماره سایر شیوه ها مورد مطالعه و بررسی قرار می گیرند.

قسمت چهارم

۳- برخورد عجولانه و هیجان زده

عدم شناخت ما از دیگران و نحوه قضاوت آنان درباره ما، باعث برخورد هیجانی و شتابزده با آنان می شود. وقتی ما نمی دانیم دیگران در مورد ما چگونه قضاوت می کنند و یا نمی دانیم که عکس العمل آنها در مقابل ما چگونه خواهد بود، دچار هیجان زدگی می شویم. در چنین شرائطی رفتارمان از حالت عادی خارج شده و گاه خود را بی کفایت می یابیم از انجام کارهای عادی همچون راه رفتن، سخن گفتن، گرفتن و برداشتن اشیا و امثال اینها به خوبی بر نمی آئیم، مهمتر از اینها ارزیابی و قضاوت ما نسبت به دیگران و محیط، در چنین شرایطی، دگرگون می شود. معمولاً در نحوه ارزیابی دیگران از خودمان دچار افراط می شویم. احساس می کنیم دیگران بیش از حد به ما توجه می کنند، خواه این توجه در جهت تحسین و خواه سرزنش باشد. پسری که از نگاه یک دختر هیجان زده می شود، ممکن است احساس کند که آن دختر شیفته او شده و با این که او را به شدت در نظر خود تحسین می کند. بعضی مواقع و با وجود بعضی قرائن این هیجان زدگی باعث می شود فرد احساس کند که دیگران او را حقیر و ناتوان می شمارند، در حالی که ممکن است چنین مسئله ای آن گونه که فرد هیجان زده می پندارد، درست نباشد.

بدین ترتیب می بینیم که: شناخت نادرست و گاه ناقص ما از دیگران، موجب هیجان زدگی ما در برخورد با آنان می شود و از سوی دیگر، همین هیجان زدگی خود موجب شناخت نادرست

ما از دیگران می شود. به عبارت دیگر شناخت ما از دیگران و حالت هیجانی ما در برخورد با آنان یک اثر متقابل بر یکدیگر دارند. فردی که شناخت درست ندارد، نمی تواند خونسردی خود را در برخورد با دیگران حفظ کند و فردی که نمی تواند خونسردی خود را حفظ کند، رفتار و قضاوت سایرین را در مورد خودش، افراطی تر از آنچه که هست ارزیابی می کند. تعدادی از دختران و پسران نوجوان و جوان ما، امروزه به دلیل نداشتن شناخت صحیح از جنس مخالف، چنین حالتی را از خود بروز می دهند. یک نگاه، آنان را هیجان زده کرده و می پندارند صاحب نگاه، عاشق آنها شده است. دختری پانزده ساله در مورد برخوردش با پسری می نویسد: «من در اولین نگاه به این پسر دچار یک حالت خاصی شدم» او در ادامه نامه اش توضیح می دهد که ابتدا فکری کرده او نیز دلپسته اوست ولی به مرور متوجه می شود که این پسر هر روز سعی می کند با دختری رابطه برقرار کند و توجهی به او ندارد. در این مورد اگر شرائطی را در نظر بیاوریم که این دختر می دانست که پسری که بدون هیچ مقدمه به او نگاه دوستانه ای می کند، می تواند این نگاه را نسبت به دختران دیگر نیز داشته باشد، و با شناخت این موضوع که این پسر ممکن است نگاه و دلی دوره گرد داشته باشد، آیا در چنین شرایطی نیز این دختر در برخورد اول دچار آن «حالت خاص» می شد یا نه؟

دختری از طرف خود و دوستانش چنین می نویسد: «سه نفر در خیابان به ما متلک می گویند و با حرکاتشان نشان می دهند

*** شخصیت پرخاشگر فردی است که پرخاشگری به عنوان یک تمایل مستمر او را به طرف انجام اعمال آسیب رساننده سوق می دهد.**

این کلمه کدام دختر را از خود بیخود می کند و به زبان روانشناسی او را هیجان زده می کند باید در پاسخ بگویم در قدم اول دختری در مقابل چنین کلمه ای هیجان زده می شود که شناخت درستی از جنس مخالف ندارد و رفتار درست در مقابل آنها را تمرین نکرده است. در درجه دوم دختری این گونه هیجان زده می شود که به نوعی خود را تشنه محبت بداند و احساس کند محبتها را از او دریغ داشته اند و یا این که جنبه صوری دارند و با ویژگیهای سنی و شخصیتی او تطابق ندارند. محبت ما نسبت به یک نوجوان نمی تواند مانند محبت ما به یک کودک دبستانی باشد. یک نوجوان در عین حال که می باید مورد محبت و توجه قرار گیرد، باید از لحاظ شخصیتی نیز مورد احترام و تکریم باشد. حضور و شخصیت او در جمع بزرگراهی خانواده و جامعه می بایست پذیرفته شود و در عین حال باید احساس کند که این افراد او را دوست می دارند. چنین فردی تنها با یک کلمه و آن هم «دوستت دارم» از خود بیخود نمی شود. چنین فردی ظرفیت دوست داشتن صمیمانه خود نسبت به جنس مخالف را متوجه کسی می کند که عرف و شرع آن را مجاز می داند و زمینه آن را فراهم می کند.

۴- برخورد غیر معمول و خشک

برخی از دختران و پسران جوان یا زنان و مردان در روابط متقابل اجتماعی به نحو غیر معمول رفتار می کنند. اینان از انجام آداب معمول در برخورد اجتماعی سر باز می زنند و از سلام و احوالپرسی متداول در بین خویشان و آشنایان از افراد غیر هم جنس اجتناب می کنند. این گونه رفتار هنگامی غیر عادی تلقی می شود که از حدود شرعی و عرف فراتر رفته و به رفتار افراد، شکل قهرآمیز و خشن می بخشد. هنگام برخورد با چنین افرادی انسان احساس می کند کینه و خشونت سراسر وجود آنان را پر کرده است. در بررسی رفتار این گونه افراد، معمولاً مردم آنان را حمل بر سردی و بی عاطفگی و کینه توزی می کنند. چنین افرادی در مقابل احوالپرسی معمولی افراد غیر هم جنس از خویشان و بستگان به پاسخهای کوتاه و سرد اکتفا می کنند. پرسشهای افراد غیر هم جنس و ناآشنا را، یا پاسخ نداده و یا این که

قصه ازدواج دارند، ما گنج شده ایم که آیا آنان عشقشان واقعی است یا نه، چکار کنیم؟» چنین نوشته ای حالت هیجان زدگی و در نتیجه گنجی آنان را در برخورد با پسران نشان می دهد. این خانمها اگر می دانستند و شناخت صحیحی در این مورد داشتند، که کسی که می خواهد ازدواج کند، به فرد منتخب خود نه تنها متلک نمی گوید، بلکه سعی می کند رفتاری مؤدبانه و سنجیده داشته باشد، در چنین حالتی هرگز دچار این سردرگمی نمی شدند از طرف دیگر چنان که ملاحظه می کنیم افراط در قضاوت نیز در این نامه بخوبی دیده می شود. این احساس که آنها می خواهند با اینها ازدواج کنند، یک نوع ارزیابی افراطی در مورد واقعیتهاست. اگر از پسرها بپرسیم که آیا شما از انجام چنین اعمالی حقیقتاً قصد ازدواج دارید؟ به احتمال قوی خواهند گفت نه.

بهر است بحث را با یک سؤال که از جانب یک دختر دبیرستانی مطرح شده است و شاید سؤال برخی از دختران باشد ادامه دهیم: «چرا وقتی پسری به یک دختر یک کلمه دوستت دارم می گوید، دختر را دلباخته می کند؟» به راستی چرا چنین است؟ آیا یک کلمه دوستت دارم هر دختری را دلباخته می کند؟ و یا تنها برخی از دختران را؟ قطعاً جواب سؤال اخیر این است که چنین کلمه ای تنها برخی از دختران را دلباخته می کند، هر چند که باید اذعان داشت که کلمات محبت آمیز بر همه انسانها اثر می گذارد و برای آنان جذاب است ولی همه آنها را دلباخته نمی کند. به این ترتیب باید از خود بپرسیم که

● شناخت نادرست و گاه ناقص ما از دیگران، موجب هیجان زدگی ما در برخورد با آنان می شود و از سوی دیگر، همین هیجان زدگی خود موجب شناخت نادرست ما از دیگران می شود. به عبارت دیگر شناخت ما از دیگران و حالت هیجانی ما در برخورد با آنان یک اثر متقابل بر یکدیگر دارند.

با خشونت پاسخ می دهند. این گونه افراد را می توان با صفاتی چون بد اخلاق، تُرشرو، خشن و سرد توصیف کرد.

باید از خود پرسید که آیا در برخورد با افراد غیر هم جنس چنین رفتاری ضروری است؟ آیا برای حفظ حدود شرعی و عرفی در برخورد با افراد غیر هم جنس می باید با خشونت، سردی و تُرشروئی رفتار کرد؟ قطعاً پاسخ چنین سؤالهایی، منفی است. هر چند که پاسخ منفی به این سؤالها بدین معنی نیست که می توان با خنده و شوخی و با زیر پا گذاشتن حدود با افراد غیر هم جنس برخورد نمود. درحقیقت پاسخ منفی به سؤالهای فوق به این معنی است که می باید در رفتار و برخورد با جنس مخالف از تقریب خودداری کرد و این بدان معنا نیست که دچار افراط شویم.

تربیت نوجوانان براساس این شیوه، یعنی برخورد غیر عادی با جنس مخالف، نه تنها آنان را در داشتن رفتار صحیح اجتماعی یاری نمی کند، بلکه می تواند آنان را آسیب پذیر بار آورد. این گونه افراد علی رغم حسن نیت درونیشان توسط اطرافیان و بخصوص افراد ناآشنا و نیمه آشنا به عنوان افرادی خشن و بی احساس شناخته می شوند. این طرز برداشت در محیطهای آموزشی مانند مدارس و بخصوص در دانشگاه بیشتر به چشم می خورد. وجود این گونه تلقی ها موجب عکس العمل سرد و خشن از طرف دیگران شده و در نهایت باعث بوجود آمدن احساسی ناخوشایند از جامعه و انسانها در فرد می شود. به بانی دقیقتر عکس العملی را که مردم در مقابل رفتار نوجوان و جوان تُرشرو از خود نشان می دهند، این فرد چنین عکس العملی را عمل آنان تلقی کرده و از آن احساس بیزاری می کند. چنین فردی وقتی خود را در آینه وجود دیگران می بیند، می پندارد که این آینه است که تُرشرو، خشن و خشک است و ممکن است نتواند به درستی چهره خویش را نظاره کند.

چنین عکس العملی ممکن است در زندگی زناشویی همین فرد نیز انعکاس یابد. نوجوانی که آموخته است با سایرین و بخصوص با افراد غیر هم جنس با سردی و خشکی رفتار کند، اگر نتواند بعد از ازدواج این رفتار را در مقابل همسرش از بین ببرد، بسیار محتمل است که عکس عملهای طبیعی همسرش در مقابل رفتارهای خود را عمل همسر تلقی کند و چنین پندارد که این همسر اوست که بد خلق است و همین سرمنشأ ناسازگاری در خانواده خواهد بود.

روایت می کنند که حضرت علی (ع) با تواضع خاص خویش در سلام پیشقدم بود ولی به زنان جوان سلام نمی کرد.



این حد از رفتار به عنوان یک الگویی تواند برای مردان و زنان ما قابل توجه باشد ولیکن باید توجه داشت که حضرت علی (ع) هرگز به تُرشروئی و خشونت در مقابل مردم شهرت نداشت. و از طرف دیگر پاسخگویی به سلام دیگران واجب است و می باید تحیت آنان را پاسخ گفت، قرآن کریم در این باره می فرماید: **وَإِذَا حُيِّتُمْ بِتَحِيَّةٍ فَحَيُّوا بِأَحْسَنَ مِنْهَا أَوْ رُدُّوهَا إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيًّا كَلِّمًا شَسِيًّا** (سوره نساء آیه ۸۶)

و چون تحیت داده شدید به تحیتی (سلامی) سپس تحیت دهید بهتر از آن و یا رد کنید همان را به درستی که خدا برای همه چیز محاسبه گراست.

۵- برخورد مبتنی بر پرخاشگری

پرخاشگری عمل با گفتاری است که به منظور آسیب رسانیدن به شخص و یا شیئی دیگری انجام می گیرد. پرخاشگری ممکن است با عصبانیت و برافروختگی همراه باشد و یا نباشد. کسی که به هنگام عصبانیت به شخص و یا چیزی حمله کرده و به آن آسیب می زند و یا با گفتن جملات و کلامی درصدد آزردن

*** تربیت نوجوانان براساس برخورد غیر عادی با جنس مخالف، نه تنها آنان را در داشتن رفتار صحیح اجتماعی یاری نمی کند، بلکه می تواند آنان را آسیب پذیر بار آورد.**

دیگری است، پرخاشگری خود را در حالت عصبانیت از خود نشان می دهد. در صورتی که بسیاری مواقع پرخاشگری بدون همراهی با حالت عصبانیت بروز پیدا می کند. کودکی که با خونسردی در گوشه ای از اتاق نشسته و با چاقو عروسکی را باز کرده و یا آن را مثله می کند، در حقیقت رفتار پرخاشگرانه ای را از خود بروز می دهد. خراب کردن اشیا، پاره کردن صندلی در

پرخاشگری معمولاً در جنس نریبشتر از جنس ماده است. این قاعده در میان بسیاری از حیوانات نیز به چشم می خورد. به احتمال قوی هورمونهای نرینه در پیدایش پرخاشگری مؤثر است. علاوه بر عامل جنسیت، عوامل محیطی و تربیتی دوران کودکی و نیز عدم پختگی در انجام اعمال اجتماعی و وظایف متقابل انسانی نیز در ایجاد پرخاشگری مؤثر است. افرادی که در دوران کودکی تجارب ناخوشایندی از تنبیه شدید والدین داشته می توانند این تجربه را به شکل پرخاشگری در سنین بالا تر بروز دهند. جوانی که به شیوه خاص نسبت به جنس مخالف پرخاشگری نشان می داد، از تنبیه های مادرش در دوران کودکی به شکل ناگواری یاد می کرد. او می گفت مادرم برای این که مرا تنبیه کند، مرا زیر کرسی می گذاشت و روی من می نشست. من احساس می کردم که دارم خفه می شوم و هر چه ناله می کردم، مادرم مرا رها نمی کرد. این جوان امروز سعی می کند انتقام خود را از جنس مخالف بگیرد. کودکانی که به دلایل گوناگون به حال خود رها می شوند و به وسیله عوامل گوناگونی همچون آزار و اذیت همسن و سالان خود، آسیب می بینند، مستعد پرخاشگری در سنین بالا تر هستند. مطالعاتی که بر روی بزهکاران جوان انجام گرفته است، نشان می دهد که خانواده از هم گسیخته آنان و یا خانواده ای که از روابط عاطفی نامناسبی برخوردار است، در بوجود آمدن بزهکاری آنان نقش تعیین کننده ای داشته است.

گذشته از تجارب دوران کودکی، عدم آموزش صحیح در برخورد با سایرین و ندادن نقش صحیح به دختران و پسران نیز در بروز پرخاشگری مؤثر است. معمولاً پسرانی که نسبت به دختران و مردانی که نسبت به زنان پرخاشگری نشان می دهند، از لحاظ رشد اجتماعی به کفایت لازم نرسیده اند. به عبارت دیگر می توان گفت که اینگونه افراد به دلیل عدم آشنایی کافی در مورد آداب برخورد با دیگران، دچار ترس و دلهره شده و این ترس آنان را به طرف رفتار پرخاشگرانه به عنوان نوعی دفاع می کشاند. رفتار پرخاشگرانه به عنوان یک رفتار دفاعی در میان مهاجرین که در محل مهاجرت احساس بیگانگی و ترس می کنند نیز دیده می شود. برخی از این افراد رفتارها و برخوردهای عادی از طرف دیگران را رفتاری تهاجمی تلقی کرده و پاسخی پرخاشگرانه به آن می دهند.

به این ترتیب می توان رفتار پرخاشگرانه را در مقابل جنس مخالف نوعی ناپختگی اجتماعی بشمار آورد. **ادامه دارد**

انوبوس و با محلهای عمومی مثل سالنهای سینما و غیره از جمله این موارد به شمار می آیند. یکی از ویژگیهای مهم پرخاشگری، وجود کشش درونی در فرد که اغلب اوقات علت آن نیز برای او ناشناخته است، به سوی انجام رفتار پرخاشگرانه است. فرد پرخاشگر با انجام پرخاشگری احساس لذت و رضایت می کند. این ویژگی، رفتارهایی را که به صورت آسیب رساندن به دیگران انجام می گیرد ولی با میل و رضایت آسیب رساننده همراه نیست از دیگر رفتارها از جمله رفتارهای پرخاشگرانه مجزا می سازد، مانند جنگیدن بسیاری از سربازان در جنگ و یا کاری که برخی از جراحان در قطع یک عضو انجام می دهند.

پرخاشگری در درون اکثر انسانها وجود دارد. ولی در مورد برخی از افراد به میزانی می رسد که به عنوان یک صفت مشخصه شخصیت آنان می توان به شمار آورد. شخصیت پرخاشگر فردی است که پرخاشگری به عنوان یک تمایل مستمر او را به طرف انجام اعمال آسیب رساننده سوق می دهد. یکی از موارد پرخاشگری، در روابط دو جنس اعم از دختران و پسران و

* یک نوجوان در عین حال که می باید مورد محبت و توجه قرار گیرد، باید از لحاظ شخصیتی نیز مورد احترام و تکریم باشد. حضور و شخصیت او در جمع بزرگترهای خانواده و جامعه می بایست پذیرفته شود و در عین حال باید احساس کند که این افراد او را دوست می دارند.

با زنان و مردان به چشم می خورد. پسرانی که با ویراژ دادن سریع موتور و یا ماشین در مقابل دختران، باعث ترسیدن آنان شده و یا با پرتاب سنگ، شیشه منزل آنان را می شکنند، تمایل و رفتار پرخاشگرانه خویش را نشان می دهند. چنین رفتارهایی در میان زوج ها نیز به صورت کتک زدن زن، آزار دادن زن توسط شوهر، یا شوهر توسط زن، نیش های زبانی و غیره بروز و ظهور می یابد.